

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، ظروف چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.



شادی از نگاه رهبر انقلاب

زندگی بی‌لیخند، زندگی دوزخی است

یکی از مقوله‌های بسیار مهم و یقیناً یکی از ضرورت‌های جامعه، لیخند است. لیخند یکی از نیازهای زندگی انسان است. زندگی بی‌شادی و بی‌لیخند، زندگی دوزخی است. زندگی بهشتی، زندگی بالیخند است. حضرت علی(ع) فرمود: «المؤمن بشرفه فی وجهه و حزنه فی قلبه»! اگر غصه‌ای دارید، باید در دلتان نگه دارید؛ مؤمن این طوری است. لیخند و شادی مؤمن در چهره اوست. اصلاً چهره‌ها باید شاد باشد. اگر با چهره خودتان می‌توانید به جامعه شادی بدهید، باید این کار را بکنید. شادی لازم است و باید آن را برای مردم تأمین کرد.»

(بیانات رهبری در دیدار با مسئولین صداوسیما ۱۱/۰۹/۸۳)

گپ و گفت «شهروند» با مهدی پرنیان، روحانی طنزپرداز

با احتیاط وارد عرصه طنز شوید!



کوتاه در مورد مهدی پرنیان

متولد ۱۳۵۴. از سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شده است. ارتباط او با دنیای طنز از خواندن مجلات گل آقا به شکل جدی آغاز شده و از طرفداران کیومرث صابری در دوران نوجوانی بوده است.

شهروند | قُمیز نام یک محفل طنزنویسی در

شهر قم است. چند سالی است که اسم این محفل ادبی که به همت حوزه هنری شکل گرفته، بین اهالی فرهنگ و ادب گل کرده است. بی‌شک یکی از ویژگی‌های این محفل که آن را با سایر محافل فرهنگی متفاوت کرده مشارکت طلاب و روحانیون در این رویداد است. مهدی پرنیان، روحانی طنزپرداز اهل یزد هم یکی از همین طلبه‌هایی است که در این محفل هنری مشارکت داشته؛ کلیپ شعرخوانی این روحانی جوان در حضور رهبر معظم انقلاب در چند هفته اخیر در شبکه‌های اجتماعی بازخوردهای بسیاری به دنبال داشته است. «شهروند» به همین منظور گفت‌وگوی کوتاهی با این روحانی جوان داشته است.

• عرصه طنز و وادی طلبگی به نظر در ظاهر شباهتی باهم ندارند، موافقت؟

در ظاهر شاید در میان مردم چنین برداشت شود که اشتراکی در میان این دو عرصه نیست، اما اگر عمیق‌تر به سیره زندگی علما نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که این برداشت صحیح نیست. بسیاری از علما و بزرگان حوزه دین انسان‌های شوخ طبعی بوده‌اند، چه در برخورد با مردم و چه در دوران طلبگی خود. خاطرات بسیاری از شوخ طبعی این بزرگان نقل شده است. اما عموماً این بزرگان در عرصه طنز هم شفاهی فعالیت داشته‌اند و در میان حوزویان در عرصه طنز مکتوب کمتر کار شده است. اما در پاسخ به سوال شما باید بگویم من در این دو عرصه تناقض نمی‌بینم و اتفاقاً این دورا مکمل هم می‌دانم.

• عده‌ای معتقدند ما جامعه افسرده‌ای داریم چقدر با این مسأله موافقت و دلایل را چه می‌دانید؟

این که جامعه ما افسرده است یا خیر را باید بررسی کرد با ملاک‌ها و شاخص‌های افسردگی. باید دید اگر افسردگی وجود دارد ریشه این افسردگی کجاست؟ من به‌طور قاطع پاسخ می‌دهم که علت افسردگی جامعه در آیین‌های دینی و مذهبی ما نیست. ما روایت‌های بسیاری داریم که یکی از راهکارهای ایجاد شادی در زندگی توسل به اهل بیت(ع) است. حتی عزاداری برای اهل بیت(ع)، آرامش و نشاط درونی به دنبال دارد. در روایات متعدد دینی توصیه شده است که شادی را گسترش دهید. از امیرالمومنین(ع) روایت شده: «وقتی همدیگر را می‌بینید، شادی و سرور در چهره‌تان نشان دهید.» یا در روایتی دیگر

حضرت می‌فرماید: «انسان مومن انسان شاداب است.» در روایتی هم نقل شده است که پیامبر اسلام(ص) هم شوخی می‌کردند، اما در این شوخی‌ها از مدار حق گویی خارج نمی‌شدند، در شوخی‌ها نباید به سمت تمسخر و دروغ و تهمت حرکت کنیم.

• تا حالا شده در محافل دینی به دلیل فعالیت‌تان در حوزه (شعر طنز) مورد انتقاد قرار بگیرید؟

من در ورود به شعرطنز تردیدی داشتم که مبدا چنین برداشتی نسبت به من توسط برخی از افراد پیش بیاید. برای همین با احتیاط به این عرصه وارد شدم. اما در سال ۹۷ در دیداری که همراه با شاعران با مقام معظم رهبری داشتیم، از حضرت آقا این موضوع را سوال کردم و ایشان فرمودند: چه اشکالی. البته توصیه‌هایی هم داشتند که مبدا از همان مدار حق گویی خارج شوم. در سیره علمای پیشین هم طنز جایگاه جدی داشته است. آقای خوانساری از مراجع بزرگ تقلید عصر خود نویسنده کتاب سراسر طنز

کلثم ننه است. این کتاب با زبان طنز به بیان انتقاد از آسیب‌های اجتماعی عصر خود می‌پردازد.

• در مورد این چند اسامی، احساسات‌تان را کوتاه‌بیا کنید؟

ملانصرالدین: بزله‌گویی حاضر جواب که حرف‌هایش خالی از پند و اندرز نیست
شیخ مفید: خیلی از آموزه‌ها و معارف متون دین مروه زحمات ایشان است

رضاعطاران: هیچ

عبیدزاکانی: اعجوبه‌ای است سرآمد که توانسته انتقادات سیاسی - اجتماعی عصر خود را با زبان طنز بیان کند

• جوک گوی خوبی هستید؟

اگر منظور تان در نحوه بیان جوک است، خیر. شیوه بیان هم به مانند آن‌چه در استندآپ کمدی می‌بینیم، نیست. اما از لحاظ کمی و میزان لطیفه گویی و بزله‌گویی در دوره‌های کسی به پای من نمی‌رسد.

روحانیت پمپاژکننده شادی حلال

داشته‌اند به نحوی مردم و نزدیکانشان را خوشحال کنند. از نظر اسلام، می‌توان غم و شادی را به دو دسته پسندیده و ناپسند تقسیم کرد. شادی‌های پسندیده گاهی با توجه به مناسبت خاصی شکل می‌گیرند؛ مانند ایام ولادت ائمه معصومین(ع) و گاهی نیز به‌زمان خاصی اختصاص ندارند، مثلاً میهمانی دادن و دیدوبازدید با اقوام، یا انجام کمک‌های خیریه به نیازمندان که هر زمان باشد، انسان را سر حال نگه می‌دارند. وقتی می‌گوییم جامعه باید با نشاط و شاداب باشد، معنایش «بتذلل و بی‌پندوباری» نیست که این همان شادی ناپسند است.

در رابطه با نوع اول، متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم برای ایجاد شور و نشاط در جامعه، محتوای مناسبی تولید کنیم. شاید کل کارهایی که در این رابطه انجام می‌شود، منحصر به چند عید و مناسبت مذهبی باشد که در مقابل مناسبت‌های عزاداری چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، حرف چندانی برای گفتن ندارد. در برگزاری عزاداری‌ها باید ظرفیت عموم مردم را در نظر گرفت تا از مسیر اعتدال خارج نشویم و این امور بر خلاف این‌که با نیت خوبی همراه هستند، اثر منفی نداشته باشند. حضرت آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی از مراجع معظم تقلید در رابطه با دهه‌سازی‌های متعدد برای عزاداری ائمه(ع) فرمودند: «همین‌طور پشت‌سر هم دهه‌درست کردن توسط جامعه قابل پذیرش نیست و به مرور زمان زمینه انکار مجموعه عزاداری‌ها را به وجود می‌آورد. افسراط در عزاداری‌ها به تفریط می‌انجامد.» این سخن ایشان مورد استقبال قرار گرفت و راهبرد مطلوب و معتدلی در عزاداری‌ها را به

مانشان می‌دهد. بخشی از راه‌حل این مشکل برعهده روحانیون نوآندیش نسل جدید است که ضمن حفظ ارزش و جایگاه مراسمات عزاداری، نسبت به اعیاد و مناسبت‌های شاد مذهبی نیز جدیت بیشتری به خرج دهند.

از سوی دیگر، وقتی افزایش شادایی و طراوت در بین افراد یک اجتماع، خشونت‌های کلامی و رفتاری را کاهش می‌دهد، امید به زندگی را بالا می‌برد، آرامش و سلامت روانی انسان‌ها را افزایش می‌دهد و روح تازه‌ای به کانون خانواده می‌دمد، چه کسی می‌تواند ادعا کند اسلام با چنین نشاط مثبت و مفیدی سرنا سازگاری دارد؟

اگر ما روحانیون که وظیفه داریم سخنان دین را به مردم ابلاغ کنیم، به مخاطبان مان گفتیم اسلام دین اعتدال است، باید در عمل نیز این اعتدال را نشان بدهیم. روحانیت به سبب مهارت‌های تبلیغی و نفوذ کلامی که بین مردم متدین دارد، می‌تواند اصلی‌ترین پمپاژکننده نشاط و شادی حلال به مردم باشد.

باید کاری کنیم که اگر مردم زمانی در خیابان یا مکان دیگری یک روحانی را دیدند، ناخودآگاه لیخندی بر لبشان بنشیند و احساس مثبت و خوشایندی به آنان دست دهد، یا اگر چند دقیقه‌ای هم‌کلام شدند، بعد از گفت‌وگو احساس شادایی و امید کنند که این‌که با دیدن یک روحانی، به یاد غم‌ها و مشکلات بیفتند و فرار کنند. روحانیت باید تجسم عینی تازگی و شادی حلال باشد، نه مجسمه غم و افسردگی.

وقتی در اسلام نشر شادی و نشاط بین مردم نوعی عبادت شمرده شده، پس همه‌مسلمان‌ها به‌ویژه روحانیون که مظهر دینداری هستند، وظیفه دارند برای این عبادت باارزش تلاش کنند و از منبرها و فرصت‌های تبلیغی برای نشان دادن چهره شاد اسلام و ترویج شادی‌های پسندیده بین مردم استفاده کنند.

توصیه روحانی مشهور تلویزیون به طلاب

مردم را بخندانید



شهروند | خندیدن و شاد بودن از موضوعاتی است که در پیشینه و منابع دینی اسلام به تکرار بر آن تأکید شده است. روایات متعددی هم از معصومین(ع) در اهمیت خندیدن و شاد بودن و صدا البته خنداندن و شاد کردن مومنان و مسلمانان وجود دارد. موضوعی که حجت‌الاسلام‌المسلمین محسن قرائتی، وعاظ و روحانی مشهور نیز در هفته گذشته بر آن تأکید کرد. قرائتی در نشست هم‌اندیشی نویسندگان و ناشران حوزه نماز و مهدویت به طلاب جوان توصیه می‌کنند که در ایجاد نشاط در جامعه مشارکت داشته باشند؛ قرائتی خطاب به حاضران می‌گوید:

«آخوندهای ما باید بلد باشند قصه‌بگویند؛ در حالی که فقط روضه می‌خوانند. مگر ما گاز اشک‌آوریم؟! چرا نباید مردم را بخندانیم؟» این توصیه آقای قرائتی در میان کاربران فضای مجازی با استقبال بسیاری همراه شد؛ البته توصیه هفته گذشته آقای قرائتی به طلاب، را نباید تنها در اهمیت موضوع خندانست. در گذشته نیز محسن قرائتی پیشنهاد کرده بود همان‌طور که با ساخت حسینیه و تربیت نیرو برای عزاداری برنامه‌ریزی می‌شود، برای خنده و خندیدن حلال نیز باید برنامه‌ریزی صورت گیرد. آقای قرائتی یکبار دیگر هم پیشنهاد داده بود تا مسئولان را با اندازه‌ی سایت خنده، خندیدن و خنداندن حلال راه به مردم بیاوراند. «شهروند» به همین منظور به چند برداشت از صحبت‌های این روحانی مشهور در ایجاد نشاط در جامعه پرداخته است:

- بنده وقتی به تلویزیون آمدم، تلاش کردم به جز مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و زندگی اهل بیت(ع) سخنی نگویم و این مطالب را با شوخی و خنده حلال بیان کنم.
- یکی از اشکالات این است که خنده حلال از زندگی مردم حذف شده، در حالی که حتی قرآن کریم روی خنده تأکید کرده است.
- چرا حوزه علمیه سایت خنده حکیمانه ندارد که نیازی به خندوانه نداشته باشیم؟ اگر ۵۰ هزار طلبه ۵۰ هزار خنده حکیمانه ایجاد کنند، دیگر نیازی به صرف این همه هزینه برای خنده مصنوعی نخواهیم داشت.
- با خنده بسیاری از مشکلات حل می‌شود. طلاب باید شادی و خنده حلال را در جامعه ترویج کنند. می‌توان قرآن کریم را با خنده و شوخی آموزش داد و تفاسیر آن را با زبانی شیواییان کرد و حتی شوخی‌های مانیز قرآنی باشد.
- در قرآن آمده کسانی که اهل ایمان هستند، خدامحبت ما را در دل مردم قرار می‌دهد. اگر دیدیم مردم ما را دوست ندارند، عمل ما عمل صالح نیست.

استندآپ کمدی یک طلبه در جشنی خیر خواهانه



اجرای استندآپ کمدی توسط یک طلبه در یک جشن خیر خواهانه، فعالیت روحانیت در عرصه طنز و بهرگیری وعاظ از ادبیات عامه‌پسندانه از نمونه بارز حضور روحانیت در مشارکت بر ایجاد نشاط در جامعه است. یک نمونه دیگر نیز خاطره‌گویی ماشالله شاسهرامی‌زاده، بازیگر و رزمنده مشهوری که نوعی استندآپ کمدی بود، در مقابل رهبر معظم انقلاب از جمله مواردی است که در میان کاربران اجتماعی

در سال گذشته با استقبال بسیار همراه شد. این رزمنده مشهوری با لحنی بسیار دلنشین، در حضور رهبر انقلاب خاطره جالبی از دوران جنگ تحمیلی و آزادسازی خرمشهر با زگو کرد که با استقبال حضار همراه شد.

راستگو، معروف به عموروحانی



یکی از قدیمی‌ترین روحانیون که در ایجاد نشاط اجتماعی و شادی در رسانه‌ها پیشگام بود، «محمدحسن راستگو» معروف به عموروحانی است. روحانی‌ای که در دهه شصت مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به صورت کلاس، اردو، درس کلاسیک برای مربیان پرورشی، مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و صداوسیما جمهوری اسلامی بود. او با بهره‌گیری از مضامین طنز در زمینه‌های عقاید، تعلیم و تربیت، روانشناسی، اخلاق، احکام، تاریخ، قصص قرآن، قصص کودکان و نوجوانان، مشاوره راهنمایی، تفسیر قرآن، مسائل اجتماعی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، شعر و برنامه‌ریزی درسی فعالیت داشت.

پاسخ حجت‌الاسلام و المسلمین طه موسوی به یک ادعا: میانه‌ها «ما» و شادی؛ خوب است

به عنوان مثال مدعیان نظریه مخالفت اسلام با شادی، مخالفت اسلام با موسیقی‌های غافل‌کننده یا استفاده ابزاری از زنان و... را یک محرومیت برای مسلمانان می‌دانند. در حالی که اگر اسلام به جای نبودن موسیقی غافل‌کننده تأکید و نسبت به شادی‌های کارناوالی مختلط مخالفت می‌کند، قطعاً به دنبال جلب مصلحت مهمتری است؛ چرا که ادعای اصلی دین اسلام حراست و حفاظت دایمی از عقل به‌عنوان ستاد فرماندهی انسان است. از نگاه اسلام انسان لحظه‌ای نباید به خطر نزدیک بشود، امروزه بسیاری از کشورها نتوانستند جلوی آسیب‌های مهم خانوادگی و اجتماعی را بگیرند و به رواج لایالی‌گری می‌پردازند؛ در حالی که بین شادی، گناه و غفلت قطعاً تفاوت اساسی وجود دارد.

اسلام با هیچ برنامه شادی‌آوری که موجب تضعیف جایگاه انسان نشود، مخالف نیست و چه بسا آن را موجب ارتقای روح معنویت می‌داند. در پایان قاطعانه باید گفت که اسلام با شادی‌ای که موجب تضییع حق دیگران شود یا غفلت‌آور باشد، مخالف است؛ نه شادی‌های معقول. البته در شاد نبودن مردم کشور ما اگر مدعای صحیحی باشد، مسائل دیگری قابل ملاحظه است که در تخصص نگارنده نیست.



محمد بانایانی

کارشناس مسائل دینی

مردم یک جامعه، به مثابه موتور حرکت آن جامعه‌اند و نشاط اجتماعی، سوخت این موتور است؛ در نتیجه برای این که جامعه با انگیزه کافی به جلو حرکت کرده و مسیر رو به آینده را به درستی طی کند، به مردمی با نشاط نیاز دارد. لازمه جدایی‌ناپذیر غم و اندوه، کسالت و ناامیدی است. غم و شادی، دو ابزار انسان‌ها برای تنظیم رفتارهای خود هستند. گاهی انسان به مقداری غم نیاز دارد، تا مثلاً از اشتباه گذشته خود درس بگیرد و گاهی نیز به کمک شادی، به زندگی روزمره اش امید و انگیزه می‌بخشد. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «مؤمن شادی‌اش را در ظاهر و صورتش نشان می‌دهد و غم و اندوهش را در دلش نگه می‌دارد.» یعنی انسان مومن باید شاد باشد و شادمانی‌اش را به مردم نیز ببخشد.

در اسلام بر شاد کردن دیگران تأکید شده که در اصطلاح به آن «ادخال سرور» گفته می‌شود. روایات زیادی وجود دارد که ارزش بالای شاد کردن برادران دینی را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در روایتی از پیامبر اکرم(ص) که فرموده‌اند: «هر کس مومنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.» و در روایت دیگری از امام محمدباقر(ع) نقل شده است: «هیچ عبادتی برای خداوند محبوب‌تر از شاد کردن مؤمن نیست» در مقابل روایات زیادی که بر ادخال سرور و پاداش آن تأکید دارند، روایت‌هایی نیز داریم که اندوهگین کردن مومنان را «گناه» حساب کرده و باعث عذاب اخروی دانسته‌اند. در سیره عملی بزرگان دین نیز به وفور می‌توان مواردی را مشاهده کرد که سعی